

بازگشت فاشیسم در قرن بیست و یکم!

روزنامه اعتماد در شماره دیروز خود نوشت: اروپا تلاش بسیاری کرد تا پس از جنگ جهانی دوم مانع از بازگشت فاشیسم شود اما اکنون به نظر می‌رسد این عارضه سمی در بطن دموکراسی، در حال رشد و نمو در امریکااست. آنچه این روزها در واشینگتن و کاخ سفید در جریان است، دهه ۳۰ قرن بیستم در قاره سبز را به یاد می‌آورد. اگر بپذیریم که فاشیسم، واکنشی افراطی به بحران‌های دنیای مدرن و شکست نخبگان سیاسی سنتی بوده است و این ایدئولوژی با وعده نظم، قدرت ملی و ثبات به قدرت رسید، اکنون که جهان در حال بی‌ثباتی و بحران دوران گذار است، می‌توان گفت که زمینه‌های ظهور یک فاشیست جدید فراهم شده است.

نویسنده اضافه کرده است: ترامپ علاقه بسیاری به نظامی‌گری، پوپولیسم و نمایش قدرت دارد؛ آنچه در نظام نازیسم آلمان و فاشیست ایتالیا به خوبی مشاهده گر دید، اما آنچه امکان دارد مانع از پیدایش هیتلری جدید در جهان گردد، سیستم دموکراسی امریکااست. با وجود این یادمان باشد که فاشیسم از درون دموکراسی و کشورهایی بر خاسته که نهادهای مدنی و آزاد داشته‌اند لیکن فاشیست‌ها توانسته‌اند به نحوی آنها را سرکوب یا در کنترل بگیرند و از مسیر اصلی خارج نمایند. در هر صورت خطر شکل‌گیری یک راهبرد جدید فاشیستی برای جهان دور از ذهن نیست و اگر کشورها در مقابل هژمونی آقای ترامپ نایستند، ممکن است جهان آینده شاهد جنگ جهانی دیگری باشد که در آن کشورهای بسیاری در گیر آن گردند.

صحنه جنگ اوکراین مات‌تر می‌شود

روزنامه صبح‌نو پنج یادداشت خود را به تحولات اوکراین اختصاص داد و نوشت: دامنه و عمق جنگ اوکراین روز به روز گسترده‌تر و مدیریت آن دشوار تر می‌شود. ۲۹عصر اروپایی پیمان آتلانتیک شمالی در مجموع مخالف چنین میز مذاکرات دوجانبه میان کی‌یف –مسکو و پاپان دادن به جنگ کنونی هستند. از سوی دیگر، بسیاری از سیاستمداران اروپایی مانند مکرون اذعان کرده‌اند که طرفین در گیر دیگر نمی‌توانند به دستاوردی بیشتر از آنچه در میدان کسب کرده‌اند برسند! اوکراین بسیاری از سرزمین‌های خود را از دست داده و روسیه نیز ظاهر عزم چندانی برای تعمیم نبرد به مناطقی غیر از دونباس ندارد. نویسنده اضافه کرده است: اصرار خاص ناتو بر عدم ارائه تضمین‌های امنیتی به مسکو در پایان دادن به جنگ کنونی، اصلی‌تر تن نقش را در تشدید این روند ایفا نموده است. صورت‌بندی ماجرا چندان دشوار نیست؛ روس‌ها معتقدند «ناتو» و نه «دولت اوکراین» باید در خصوص پایان بخشیدن به درگیری‌های اخیر «تضمین» ارائه کنند و تهدات دولتی و رشکسته مانند زلنسکی نمی‌تواند روس‌ها را مجاب به پایان بخشیدن به درگیری‌ها در اوکراین سازد. در مقابل، امریکا و کشورهای اروپایی عضو ناتو به دنبال توافق آتش‌بسی هستند که در آن روسیه از تمامی مناطق نبرد عقب‌نشینی نموده و نظام گسترش ناتو به شرق و دیگر نقاط را بپذیرد! بدیهی است که در چنین شرایطی احتمال دستیابی به آتش‌بس صفر خواهد بود. نتیجه استمرار این روند، ریسک‌پذیری بیشتر روس‌ها در میدان و برهم خوردن ثوابت و پیش‌فرض‌های ناتو در میدان است. زمانی که «میدان» تغییر پیدا کند، «فرامتن میدان» نیز تغییر می‌یابد. در این صورت دستیابی به صلح نسبت به هر زمان دیگری ناممکن‌تر خواهد بود. این قاعده ساده‌ای است که مقامات ارشد اروپایی عامانده خود را از درک آن محروم ساخته‌اند!

«ایران امروز» ثمره ایستادگی و خودباوری

روزنامه رسالت در یادداشتی نوشت: ایران امروز، تصویری نو از ملتی است که در مسیر پرفرازونشیب تاریخ معاصر، از وابستگی و فشار به‌سوی استقلال و اقتدار گام برداشته است. مقایسه ایران امروز با چند دهه پیش، نشان می‌دهد کشور ما در سه عرصه بنیادین – قدرت اجتماعی، فرصت‌های اقتصادی و ایستادگی در برابر دشمنان بی‌بروزی – در گرونی‌های عمیق و ماندگاری را تجربه کرده است. در عرصه اجتماعی، جامعه ایران از فضای خستگی و بازسازی پس از جنگ تحمیلی به جامعه‌ای بویا و آگاه بدل شده است. در حوزه اقتصادی نیز ایران، به رغم همه فشارها و تحریم‌ها، مسیر استقلال را با عزم ملی پیموده است، اما بر جسته‌ترین تفاوت، در ایستادگی در برابر دشمنان بی‌رونی است. ایران پیش از انقلاب، کشوری تابع اراده بیگانگان بود، اما امروز، در معادلات منطقه‌ای و جهانی نقشی تعیین کننده دارد. درحالی‌که قدرت‌های بزرگ در برابر ملت‌ها از ابزار فشار استفاده می‌کنند، ایران با تکیه بر ایمان، مقاومت و دیپلماسی عزتمندانه، به الگویی از استقلال سیاسی در جهان تبدیل شده است. دیگران درباره ایران تصمیم می‌گیرند، یعنی در مذاکراتی که مسا یک طرف میز نشسته‌ایم، کسی بالای میز نیست، بلکه از موضع برابر و روبه‌روی ماست. ایران امروز، با وجود همه دشواری‌ها، ملتی استوار و امیدوار است. میراث خون شهیدان، خرد نخبگان و ایمان مردم، ستون‌های ایستادگی این سرزمین را شکل داده است. اگر روزگاری ایران برای بقا می‌جنگید، امروز برای تعالی می‌کوشد.

چرا وفاق ضروری است؟

روزنامه ایران باز هم بسرآغ وفاق ملی رفت و در یادداشتی نوشت: تصویب لوایح مربوط به FATF در مجمع تشخیص مصلحت مربوط به قadr در هنگام بود، اما اتفاق مثبتی است. به طور کلی، اینکه این مصوبات چه تأثیری بر اقتصاد تحت تحریم ایران خواهد داشت، موضوعی پیچیده است. ممکن است کارآمدی‌شان محدود باشد، اما جنبه‌ای نمادین داخلی و اجتماعی‌شان حائز اهمیت است؛ زیرا مردم احساس می‌کنند دولت در پی حل مشکلات کشور است و نمی‌خواهد بهانه‌ای به دست دشمنان داده شود. بنابر این این پیام داخلی مثبت و موفق بوده است، اما از نگاه بین‌المللی باید این احتمال را در نظر گرفت که تصویب آنها در مقطع فعلی ممکن است مردم را بداشت‌هایی از جنس ضعف صورت گیرد. هر چند به لحاظ داخلی مردم ممکن است احساس کنند با این مصوبات فرصت بهانه‌جویی از دشمنان گرفته شده و این نکته مثبتی است. در مجموع به نظر می‌رسد پیامدهای تصویب این لوایح بیشتر متوجه داخل باشد تا خارج.

با وجود این، نکته مهم در حوزه سیاست داخلی این می‌تواند باشد که تصویب این لوایح، توانسته وفاق و آرامش را در جامعه ایجاد و حفظ کند. نویسنده با طرح این پرسش که آیا امکان استفاده از این وفاق ملی برای آینده و حل اختلافات دیگر هم وجود دارد؟ نوشته است: در پاسخ به این سؤال باید توجه داشت که شرایط حساس کنونی کشور اقتضا می‌کند اجماع و وفاق میان مجموعه ارکان کشور به بهترین شکل وجود داشته و ساری و جای باشد تا صدای واحد و هماهنگی از ارکان حکمرانی کشور شنیده شود. به لحاظ نظری، هرگاه یکدیگر هم‌فکر باشند، شرایط مشابه ما داشته‌اند، برای حفظ انسجام سیاسی و جلوگیری از آسیب‌های داخلی، تمرکزگرایی و وفاق ملی را در اولویت قرار داده‌اند. حاکمیت، مجلس، دولت، مجمع تشخیص، نخبگان، افکار و فکر و نمایندگان نهادهای دیگر باید در این شرایط ویژه، هماهنگی و همراه یکدیگر حرکت کنند. اهمیت وفاق در چنین شرایطی دوچندان می‌شود؛ زیرا شرایط کشور بسیار خاص است و افتراق در نظر یا عملکر می‌تواند به جایگاه و امنیت ملی ضربه بزند، بنابر این وفاق و اجماع ملی در شرایط فعلی نه تنها مطلوب بلکه ضروری و حیاتی است.



گزارش

فاطمه بصیری

«نیروی انتظامی» دوشادوش رزمندگان با دشمن می‌جنگد

امنیت‌سازان «پنجه‌درپنجه» دشمن



محمد مهدی صافی | جوان

نمای نزدیک

پیام وزیر دفاع به مناسبت هفته فراجا

وزیر دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح با صدور پیامی به مناسبت هفته فراجا، پلیس را سرمایه گرانسنگی برای میهن اسلامی دانست که حمایت و پشتیبانی هر چه بیشتر از آن، تقویت و تحکیم زیرساخت‌های امنیت‌ساز کشور را تضمین می‌کند. در بخشی از پیام امیر عزیز نصیرزاده آمده است: هفته فراجا، بهانه‌ای است بر بها برای تکریم خدمتگزاران شریف و فداکار شاغل در فرماندهی انتظامی جمهوری اسلامی ایران؛ نیرویی مقتدر و مؤمن که حافظ نظم و امنیت جامعه بوده و بحق می‌توان آن را شریف‌ترین و اخلاقی‌ترین پلیس جهان دانست. تقویم پرافتخار کشور عزیزمان ملو از اوراق زین جانفشانی‌ها و رشادت‌های فرماندهان، مدیران، کارکنان و سربازان خدوم و شجاع نیروی انتظامی و مدافعان امنیت است که برای تأمین بستر امن و آرام برای هم میهنان خود از هیچ کوششی فرو گذار نکرده‌اند. امروز فراجا، نمونه و الگویی است از پلیسی هوشمند، توانا، باکفایت و بر خاسته از بطن جامعه که آیینۀ تمام‌نمایی از اقتدار بوده که در مسیر صیانت از امنیت و آسایش جامعه از جان خود گذشته و با بذل خون گرانمایه خود مجادله عمل به قانون را نصب‌العین خود قرار داده است. بی‌تردید وجود چنین نیروی مقتدر، مؤمن، کارآمد و مردمی که مورد اعتماد و موجب آرامش ملت شریف ایران اسلامی است، سرمایه گرانسنگی برای میهن اسلامی محسوب می‌شود که حمایت و پشتیبانی هر چه بیشتر از آن، تقویت و تحکیم زیرساخت‌های امنیت‌ساز کشور را تضمین می‌کند.

یکی از ستون‌های اصلی ایجاد آرامش و امنیت و بازدارنده در مقابل توطئه‌های خارجی و داخلی در کشور نیروی انتظامی است. در حال حاضر، سهم بزرگی از امنیت و اقتدار ایران حاصل رشادت‌های شبانه‌روزی سبزویشانی است که بی‌ادعا و جان بر کف، از مرز تا مرکز، بی‌وقفه و شبانه‌روز در حال خدمت هستند. تلاش خستگی‌ناپذیر آنها، زمینه‌ساز استقرار سلامت اجتماعی و حفاظت مرز های کشور شده است. طی سال‌هایی که کشور در تلاطم ناشی از دسیسه‌های دشمنان قرار داشت و همه‌جهای چندوجهی با داسنان‌سازی رسانه‌های معاند، امنیت کشور را مورد حمله قرار داده بود، نیروهای انتظامی زیر ضرب این رسانه‌ها، در تلاش برای

گفت‌وگو

ایران می‌تواند با تنظیم دفاعی‌های قوی و ارائه مستندات حقوقی متقن، شکایتی علیه کشورهای اروپایی در دادگاه‌های لایه تنظیم و پیگیری کند. فعال شدن مکانیسم ماشه بار دیگر توجهات را به تحریم‌های شورای امنیت جلب کرده است. در حالی که این سازوکار می‌تواند فشارهای اقتصادی و سیاسی علیه ایران اعمال کند، نقش دیپلماسی فعال و همراهی کشورهای کلیدی بریکس می‌تواند اثرگذاری تحریم‌ها را کاهش دهد و روند اجرای آنها را با چالش مواجه کند. حسن بهشتی‌پور، کارشناس مسائل سیاست خارجی در باره تبعات این مکانیسم و ظرفیت‌های دیپلماسی برای بهره‌گیری از ظرفیت کشورهای عضو بریکس با خبرگزاری مهر گفت‌وگو کرده است.

■ ■ ■

فعال شدن مکانیسم ماشه در عمل چه تبعاتی می‌تواند داشته باشد؟ آیا صرفاً ابزار فشار سیاسی و اقتصادی است یا مقدمه‌ای برای تشدید تنش‌ها و حتی درگیری نظامی است؟

بر اساس متن برجام و سازوکارهای پیش‌بینی شده در مواد ۳۶ و ۳۷، امریکا و کشورهای غربی از این بند سوءاستفاده کرده‌اند. آنها که خود تعهدات‌شان را در چارچوب برجام نقض کرده‌اند، اکنون ادعا می‌کنند ایران ناقض توافق است، در حالی که نخستین کشوری که برجام را ترک کرد، امریکا بود و کشورهای اروپایی نیز به تعهدات خود عمل نکردند. کشورهای اروپایی با نگرانی از همراه نشدن دیگر کشورها، تاکنون اجرای جدی تحریم‌ها را متوقف کرده‌اند. باید برای مردم ایران روشن شود که بسیاری از این تحریم‌ها عملاً اجرایی نشده‌اند. برای مثال، مرادوات بانکی ایران با دنیا پس از خروج امریکا از برجام در اردیبهشت ۱۳۹۷ به شدت محدود شده بود و حالا قطع آن تغییر چندانی ایجاد نمی‌کند، همچنین ادعای عدم‌النه خدمات به هواپیماهای باری ایران نیز عملاً تأثیر چندانی ندارد، زیرا حجم رفت‌وآمد این هواپیماها به اروپا بسیار محدود است. یکی از مهم‌ترین مسائل، وضعیت فروش نفت ایران پس از فعال شدن این مکانیسم است. امکان صادرات نفت به سادگی فراهم نیست و تا حد زیادی به همکاری کشورهای طرف قرارداد ایران بستگی دارد. کشورهایی مانند روسیه، چین، هند و سایر اعضای اوراسیا ممکن است همچون دوره پیش از برجام، از تحریم‌ها تبعیت

ایجاد ناآرامی و آشوب درونی است. این امر با تئور، عملیات‌های سایبری و نظامی در داخل و مرزها، لشکر کشی خیابانی با بهره‌برداری از اعتراض مردم و برنامه‌های دیگر اجرایی می‌شود؛ از این رو اقدامات نیروی انتظامی هم خطی نیست و آنها در وجه مختلف در حال تقابل با جنگ ترکیبی دشمنان ایران هستند.

■ **ضرورت و اهمیت امنیت داخلی**

در دوران پساجنگ

نقطه انشکای رژیم‌صهیونیستی و امریکا برای پیروزی در راندا سازی جنگ علیه ایران، تنها بر مؤلفه حملات نظامی استوار نبود. آنها تلاش داشتند با استفاده از ظرفیت ناآرامی و آشوب در کشور، اقدام نظامی خود را تکمیل کنند. در واقع در پازل عملیاتی آنها، ثامنی، واغتشاش داخلی سهمی بزرگ داشت و بال دیگر مهار ایران را تشکیل می‌داد. مواضع برخی مقامات رژیم‌صهیونیستی پس از ناکامی در حمله به زندان اوین نشان می‌داد هدف از این اقدام نظامی تخریب اعتماد عمومی به حاکمیت و ایجاد آشوب در ایران است. در همین رابطه گیدون سعار عنوان کرد که این حمله، یک حمله «هدفمند» علیه «تماد سستم بر مردم ایران» بود. این حمله در تلافی هدف قرار دادن غیرنظامیان از سوی ایران صورت گرفت.

در حال حاضر این نقشه همچنان برقرار است و دشمن در حال امکان‌یابی ناآرامی و آشوب در کشور و به خطر انداختن امنیت داخلی، از همه ابزارهای روانی و عملیاتی بهره می‌جوید. از نظر آنها تا زمانی که پایه‌های امنیت در کشور مستحکم باشد و انسجام ملی ثبات داشته باشد، نمی‌توان اقدامی را علیه ایران مرتکب شد، به همین دلیل، آنها در وهله اول به دنبال از بین بردن وحدت و امنیت در داخل هستند. آغاز حملات تروریستی در سست بعد از توقف جنگ ۱۲ روزه رژیم‌صهیونیستی در علیه ایران مرتکب شد، به مؤید تلاش دشمن برای فعال‌سازی کانون‌های شورش‌ی است. آنها در صدد هستند با استفاده از کوچک‌ترین بهانه اختلافاتی در کشور، آتش بلوا را شعله‌ور کنند. در واقع، دشمن هم‌زمان با ابراز تهدیدات مختلف در حال برنامه‌ریزی عملیات علیه کشور است و عرصه داخلی را جدی‌تر از

عملیات نظامی محسوب کرده‌است. این وضعیت، نقش مهم نیروهای نظامی را به عنوان نیروهای امنیت را که مانع بزرگی بر سر راه توطئه‌های آنهاست، پر رنگ می‌کند، در نتیجه ضرورت تقویت نیروهای انتظامی و پرداختن به مقوله امنیت داخلی را تعیین می‌شود. علاوه بر آن، به دلیل نقش مهم فراجا در برقراری امنیت و آرامش کشور، یکی از اضرالاع این طرح‌ریزی دشمن که همواره بخشی از مقدمات کار بوده، مخدوش کردن و ایجاد همه‌جهه علیه نیروی انتظامی است، بنابراین دستگاه‌های مسئول باید مراقب باشند از اقداماتی که زمینه‌ساز تضعیف نیروی انتظامی و کاهش سطح اعتماد عمومی کشور، برهیز کنند.

کارشناس مسائل بین‌الملل:

بسیاری از تحریم‌ها اجرایی نشده‌اند که با «اسنپ‌بک» بازگردند

از ایران انجام می‌دهد. با توجه به اینکه روسیه اکنون ریاست دوما‌ی شورای امنیت را بر عهده دارد، این فرصت مناسبی است تا ایران رایزنی‌های گسترده‌ای را برای پیشبرد منافع خود و کاهش فشارهای بین‌المللی انجام دهد.

با توجه به شرایطی که وجود دارد، دیپلماسی ایران باید بر چه اولویت‌هایی متمرکز باشد تا ظرفیت‌های ساختاری سازمان ملل را به نفع خود تغییر دهد؟

در شرایط کنونی، دستگاه دیپلماسی ایران باید با تمرکز بر ظرفیت‌های موجود در ساختار سازمان ملل متحد، در راستای کاهش فشارهای بین‌المللی و تقویت موقعیت حقوقی کشور گام بردارد. این تلاش‌ها باید در سه محور کلیدی ساماندهی شود:

۱- **استفاده از ظرفیت مجمع عمومی سازمان ملل برای**

اشغالگری و روشنگری: یکی از ظرفیت‌های مهم سازمان ملل، مجمع عمومی آن است. اگرچه قطعنامه‌های مجمع عمومی ضمانت اجرایی ندارند، اما ایران می‌تواند از این تریبون برای ارائه پیشنهاد قطعنامه‌هایی با هدف افشای رفتارهای یک‌جانبه‌گرانه امریکا و اروپا استفاده کند. این اقدام، به ویژه در حوزه دیپلماسی عمومی و رسانه‌ای، می‌تواند زمینه‌ساز جلب افکار عمومی جهانی و مشروع‌سازی مواضع ایران شود.

۲- **پیگیری حقوقی از طریق دادگاه‌های بین‌المللی لاهه:** دادگاه بین‌المللی لاهه به عنوان یکی از ارکان قضایی سازمان ملل، امکان بررسی شکایات رسمی کشورها را دارد. همان‌طور که ایران پیش‌تر علیه امریکا شکایت و موفقیت‌هایی کسب کرده است، اکنون نیز می‌تواند با تنظیم دفاعی‌های قوی و ارائه مستندات حقوقی متقن، شکایتی علیه کشورهای اروپایی تنظیم و پیگیری کند. چنین تنش‌ها و اختلافات گسترده با غرب، به ویژه کشورهای اروپایی است، تر جیح می‌دهد در موضوع حساس و مهمی مانند ایران، رودروری غرب قرار گیرد، نه در کنار آنها. از سبوی دیگر، کشورهای چین و روسیه، مخالف داشتن سلاح هسته‌ای ایران هستند و نگرانی خود را از احتمال خروج ایران از پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (ان‌بی‌تی) اعلام کرده‌اند. این نگرانی به دلیل این است که در صورت چنین اتفاقی، ایران را به عنوان تهدید می‌دانند. روابط بین‌الملل براساس منافع متقابل شکل می‌گیرد و در این چارچوب، منافع ایران و روسیه در شرایط فعلی تا حد زیادی هم‌راستا شده است. اگرچه چین کمتر به صورت علنی موضع می‌گیرد، اما در عمل اقداماتی در حمایت

خبر



عضو کمیسیون امنیت ملی عنوان کرد

ناوگان «صمود» نماد پیروزی ملت‌ها مقابل استکبار

ناوگان عظیم دریایی صمود نمادی از پیروزی ملت‌ها در مقابل استکبار جهانی، امریکا و صهیونیسم است. به گزارش مهر، محمدضرا محسنی‌ثانی، عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی در جلسه علنی دیروز، در نطق میان دستور خود گفت: دو سال است که با طوفان الاقصی که در منطقه به وجود آمد، دنیا در راستای یک تجربه دیگری قرار گرفت، دو سال است که بر سر مردم غزه بمب، راکت، خمپاره، موشک و گلوله می‌بارد و دو سال است که جنایت‌های جنگی در ابعاد مختلف بر سر این ملت مظلوم می‌ریزد.

وی افزود: در این دو سال، مردم غزه هزینه‌های سنگینی را پرداختند و در این دو سال خاک و خون‌شان باهم در آمیخت. ضربه هولناک ۷ اکتبر سال ۲۰۲۳، به وجود آورده انچنان قوت و قدرت و اقتداری در این عرصه جغرافیایی کوچک شد که رزمندگان حماس به تنهایی در یک نقشه چند لایه بسیار قوی و موفق توانستند قدرتی بسیار عظیم و آفت‌نوا‌هی را در دنیا، اینگونه به مسلخ بکشاند و اینگونه اقتضاح کنند. عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی تصریح کرد: امروز دنیا یک پوشش دیگری را تجربه می‌کند، این پوشش عظیم جدید مسیر تاریخ را به گونه‌ای دیگر نشان می‌دهد، تجربه‌ای است که یکصدایی، یکپار چگی، پیوند ملت‌ها، وحدت شعارها، همبستگی ملت‌ها و اقتدار را از تهران گرفته تا لندن، پاریس، بلژیک، کپنهاک، آفریقا، آسیا و همه جای دنیا توانسته است به وجود آورد. نماینده مردم سبزوار در مجلس شورای اسلامی ادامه داد: این وحدت ملت‌ها در همه صحنه‌های بین‌المللی به رخ جهانپان کشیده شده است که حتی در سازمان ملل، وقتی که جرثومه فساد و تباهی پشت تریبون قرار گرفت، بیشتر نمایندگان این ملت‌ها، صندلی‌های سازمان ملل را خالی کردند. این حرکت می‌تواند وحدت‌ام‌ها و ملت‌ها را در ابعاد مختلف در دنیا در مقابل رژیم سفاک صهیونیستی به وجود بیاورد.

وی در ادامه گفت: این حرکتی که ناوگان عظیم دریایی صمود به وجود آورده است و امروز دل در دریا‌ساز زنده و با این همه خطرات و دستگیری‌هایی که وجود داشته و با این همه مشکلاتی که برای آنها به وجود آورده‌اند، مجود می‌نمید که مقاومت کرده و روز بروز به این ناوگان دریایی اضافه می‌شود، این نمادی از پیروزی ملت‌ها در مقابل استکبار جهانی، امریکا و صهیونیسم است.

محسنی‌ثانی در پایان تأکید کرد: بزرگ‌ترین سرمایه این انقلاب و این دولت و نظام مقدس جمهوری اسلامی، اعتماد مردم و پشتوانه مردم است. ما بزرگ‌ترین پشتوانه‌ای را که می‌توانیم روی آن حساب کنیم، پشتوانه مردمی و اعتماد مردمی است.

پاسخ هوشمندانه حماس به طرح ترامپ

دو سال پس از آغاز جنگ غزه، اسرائیل و متحدان غربی‌اش در بن‌بست راهبردی عمیقی گرفتار شده‌اند. این بن‌بست ناشی از مقاومت پایدار حماس و دیگر گروه‌های فلسطینی، حامیان جهانی فلسطین و فشارهای حقوقی- بین‌المللی، رژیم اشغالگر و ارتش شماره یکش را وادار به ارائه طرحی موسوم به «صلح ترامپ» ساخته است. «صدای ایران»، روزنامه اینترنتی رسانه KHAMENEI.IR در سرمقاله شماره ۱۰۵۵ خود اضافه کرده است: طرحی ۲۰ ماده‌ای که با لحنی تحکم‌آمیز ارائه شده، بیش از آنکه به دنبال حل ریشه‌ای بحران باشد، تلاشی برای واهیی از این بن‌بست است.

نشانه‌های این بن‌بست را می‌توان در رفتار مقامات کشورهای مختلف در مجمع عمومی سازمان ملل، اعتراضات دانشگاهی، تحریم‌های ورزشی و پرونده‌های حقوقی بین‌المللی مشاهده کرد. این طرح که بر خلع سلاح حماس، اداره غزه توسط یک هیئت بین‌المللی و عدم‌ارائه جدول زمانبندی برای عقب‌نشینی نظامیان اسرائیل تأکید دارد، با پاسخ مشروط حماس روبه‌رو شد؛ پاسخی که به اذعان کارشناسان ارشد منطقه‌ای هوشمندانه و با هوشیاری همراه بوده است.

پاسخ حماس بر شرط بنیادین عقب‌نشینی کامل رژیم‌صهیونیستی از غزه و استقرار حکومت فلسطینی مستقل تأکید دارد. این شرط در تضاد کامل با خواست ناتانیاهو برای حفظ حضور نظامی دائمی در غزه است. حماس در صورتی به سمت مذاکره و اجرای روند‌های مرتبط با این طرح حرکت می‌کند که تضمین‌های واقعی و عملی ارائه شود؛ تضمین‌هایی که با توجه به سوابق نقض‌های مکرر تعهدات توسط رژیم اشغالگر و حامیان غربی‌اش از جمله نقض‌های مکرر در قبال فلسطینیان و غزه امری ضروری است. بدون این مکانیسم‌ها، هر توافقی فاقد اعتبار خواهد بود.

لایام به یادآوری است، اگرچه قطعنامه‌های مجمع عمومی آمادگی خود را برای آتش‌بس عادلانه اعلام کرده و در میز مذاکره حضور یافته، اما امریکا و رژیم‌صهیونیستی هرگز به گفت‌وگویی واقعی تن نداده‌اند. حمله‌اخیر رژیم به سران حماس در دوحه، نمونه بارزی از نگاه و رویکرد حریف به مذاکره است. این الگو نشان‌دهنده عدم تمایل ذاتی طرف مقابل به حل بحران از مسیر گفت‌وگوست. غزه طی دو سال محاصره و بمباران مداوم با پشتیبانی غرب به بحران لاینحل اسرائیل و متحدانش تبدیل شده و احتمال پیروزی و خاتمه دادن به این جنگ از طریق نظامی برای آنها وجود ندارد، به همین دلیل طرح ترامپ به جای صلح واقعی، ابزاری برای نجات رژیم از انزوای داخلی و خارجی است، اما حماس نیز نسبت به این مسئله و احتمال فریب در مذاکرات باید هوشیارانه عمل کند.

به خاطر همین مسئله مهم و بر اساس تأکید حماس هرگونه آتش‌بس یا تبادل اسرا و در نهایت صلح کامل منوط به عقب‌نشینی نظامیان اسرائیلی همراه با استقرار حکومت فلسطینی مستقل است. هر چند در شرایط کنونی دنواند ترامپ با پاسخ حماس موافقت کرده است اما این به معنای پایان یافتن قطعی و کامل جنگ نخواهد بود چرا که با شروع روند مذاکرات اختلاف‌های جدی بروز پیدا می‌کند و نکته قابل تأمل عدم اعتماد به وعده‌های طرف مقابل است. در نهایت باید تأکید کرد راه حل پایدار برای این مناقشه مزمن، همان سیاست منطقی جمهوری اسلامی است؛ رجوع به صندوق رأی و حق رأی برای تمام فلسطینیان واقعی- فارغ از دین آنها- و تعیین سرنوشت خود.